

## بازتاب مسائل سیاسی در سفرنامه‌های ایرانی در دوره صفویه و قاجار

صدیقه پورخوش سعادت<sup>۱</sup>، علی محمد مؤذنی<sup>۲</sup>، خدابخش اسداللهی<sup>۳</sup>، ثوراله نوروزی دادخانی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران  
<sup>۲</sup>آستاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، تهران، ایران  
<sup>۳</sup>آستاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، ایران  
<sup>۴</sup>آستادیار دانشگاه پیام نور اردبیل، ایران

نویسنده مسئول: moazzeni@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

### چکیده

سفرنامه‌نویسی در عرصه ادب فارسی سابقه کهنی دارد که به دو شکل منظوم و منثور است. در سفرنامه، نویسنده به شرح آنچه در سفر دیده، شنیده و روی داده، می‌پردازد. در این پژوهش سه سفرنامه «سفینه سلیمان، سفرنامه میرزا فتح‌خان و حاج سیاح» به عنوان سه سفرنامه سیاسی-سیاحتی ایرانی انتخاب شده که هدف، بررسی مسائل سیاسی منعکس شده در سفرنامه‌ها با تکیه بر دوران صفویه و قاجار است؛ از این‌رو این پژوهش در پی یافتن این پرسش است که چه مسائل سیاسی در سفرنامه‌های دو دوره مختلف تاریخی بازتاب یافته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و نتایج نشان داد که دو سفرنامه سفینه سلیمانی و میرزا فتح‌خان، سفرنامه‌هایی سفارشی-سیاسی هستند که حکومت وقت را در اوج اقتدار و شکوه نشان داده در حالیکه سفرنامه حاج سیاح که سفرنامه‌ای سیاحتی-سیاسی است، شاهان قاجار را بی‌کفایت، نالایق، ستمگر و تجملگرا به تصویر کشیده است. در دو سفرنامه محمد ربیع و فتح‌خان روابط سیاسی ایران با سایر کشورها، در سایه روابط دوستانه بوده که به هیچ‌گونه عنوان جنبه استعماری نداشت؛ اما حاج سیاح تمام تعاملات سیاسی ایران با کشورهای قدرتمند را راهی برای استعمار مردم ایران دانسته است. در این میان به مباحثی چون قراردادهای سیاسی، ترورها، پناهندگی سیاسی، شیوه‌های اداره حکومت و ... نیز به عنوان بخشی از مسائل سیاسی در سفرنامه‌های اشاره شده است.

**کلیدواژه:** سفرنامه، سیاست، سفینه سلیمانی، سفرنامه میرزا فتح‌خان، سفرنامه حاج سیاح.

### مقدمه

شناخت و تحلیل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... از بطن سفرنامه‌ها، یکی از روش‌های مهم مطالعات جامعه‌شناسی و فرهنگی است. در این پژوهش سه سفرنامه مبتنی بر سه دوره تاریخی ایرانی انتخاب شده‌اند که شامل سفرنامه سفینه سلیمانی، میرزا فتح‌خان و حاج سیاح است. سلسله صفویان در فاصله سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۱۴ ش، در حدود ۲۲۱ سال بر ایران فرمانروایی کردند. دوران قاجار یکی از برهه‌های مهم تاریخی ایران است که به دلیل وقایع مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در تاریخ ایران دارای اهمیت بسیاری است. سه سفرنامه منتخب دارای سه وجه متفاوت هستند. سفرنامه «سفینه سلیمانی» بیشتر جنبه گزارشی داشته که نویسنده به دستور شاه سلیمان یکم، برای توصیف و بررسی وضعیت کشورهای همسایه و تخمین میزان قدرت نظامی و استراتژیک آن‌ها به عنوان سفیر ایران به کشورهای همجوار و شرق آسیا سفر می‌کند. سفرنامه میرزا فتح‌خان تنها جنبه سیاسی داشته و در مورد مأموریتی سیاسی است از این‌رو بیشتر بر روابط ایران با کشورهای غرب آسیا و اروپا پرداخته است. سفرنامه حاج سیاح اما سفرنامه‌ای سیاحتی است که در بطن آن بخش قابل توجهی به مسائل سیاسی داخلی و خارجی ایران اختصاص یافته است. از این‌رو توضیحات او جنبه انتقادی داشته زیرا وابسته به دستگاه حکومتی نبوده است. پرسشی که در این پژوهش در پی پاسخ دادن به آن هستیم، آن است که چه مسائل سیاسی و عناصر وابسته به آن در سفرنامه‌های مذکور بازتاب یافته است. از این‌رو در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مسائل سیاسی انعکاس یافته در سفرنامه‌های ایرانی مربوط به دوره صفویه و قاجار پرداخته است. بررسی این مسائل ما را به شناخت بهتر و موثرترین از موقعیت سیاسی ایران در منطقه و همچنین روابط سیاسی ایران با کشورهای جهان و آشنایی بیشتر با رویدادهای سیاسی داخلی ایران می‌رساند.

### پیشینه تحقیق

در مورد سفرنامه‌ها، پژوهش‌ها و کتاب‌های مختلفی منتشر شده که هر یک از جنبه‌های مختلف به این مقوله نگریسته‌اند. از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب «کنکاشی در سفرنامه‌های ایرانیان از قاجار تا زمان حاضر» (۱۳۸۱) اثر م. جوانیخت؛ «همراه با سیاحان و جهانگردان» (۱۳۸۳) اثر محمود حکیمی؛ «تاریخ روابط ایران و ممالک متحده ایران» (۱۳۵۰) اثر رحیم رضازاده ملک؛ همچنین مقاله «نگاهی به سفرنامه پیترو دالاوله در عصر صفوی» (۱۳۸۴) نوشته عمادالدین فیاضی در مجله کاروان؛ پایان‌نامه‌های «سیمای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبریز در سفرنامه‌های اروپائیان عصر قاجار» (۱۳۹۲) نوشته فرشته کرمزاده از دانشگاه تبریز؛ «بازتاب اصول و ساختار سیاسی غرب در سفرنامه‌ها و گزارش‌های ایرانیان دوره قاجاریه» (۱۳۹۶) نوشته حسین قربانی از دانشگاه تربیت مدرس؛ «تحلیل و نقد گزارش‌های سفرنامه‌نویسان خارجی از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خوزستان در دوره قاجار» (۱۳۹۰) نوشته حسین بهنام؛ «بررسی تحولات سیاسی اجتماعی ری در دوره قاجار با تکیه بر سفرنامه‌ها» (۱۳۹۵) نوشته اعظم بوربور از دانشگاه خوارزمی؛ «اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران از سقوط شاه سلطان حسین صفوی تا تاجگذاری آقا محمدخان قاجار (با تکیه بر سفرنامه‌های خارجی)» (۱۳۹۳) نوشته خدیجه یارمحمدی.

### سفرنامه نویسی

سفرنامه‌نویسی یکی از گونه‌های ادبی است که به دو صورت منظوم و منثور از گذشته‌ها در ادب فارسی نوشته می‌شد. در این سفرنامه‌ها هر نویسنده به اقتضای موقعیت اجتماعی یا سیاسی که داشته به مباحث مورد توجه خود پرداخته است. در سفرنامه‌ها موضوعاتی چون مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و... نمود می‌یابند. «سفرنامه گزارش نسبتاً کاملی از مجموعه دیده‌ها، شنیده‌ها و حتی تحلیل فرد از وقایعی است که در سفر اتفاق افتاده و همچنین اطلاعاتی در مورد تاریخ، سیاست، آداب و رسوم مردم، اعتقادات، اوضاع اجتماعی مردم، شیوه عزاداری، نحوه برگزاری جشن‌ها و شرح ماجراهایی است که در طول سفر اتفاق افتاده است» (بحرالعلوم، ۱۳۸۷: ۲۶). از این رو سفرنامه‌ها یکی از منابع مهم جهت استخراج و شناسایی وجه تاریخی کشورهای مختلف جهان در بستر ادبیات است. «سفرنامه‌ها در زمره یکی از بهترین گنجینه‌های فرهنگی و ادبی کشورها هستند که بسان آیین‌هایی، نگرش‌های مرتبط با اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ادبی و دینی جامعه را به تصویر کشیده‌اند» (رحیمی مهر و دری، ۱۳۸۵: ۸۵). حکیمی سفرنامه‌هایی که از ادوار گذشته به امروز رسیده را منبعی ارزشمند برای جامعه‌شناسان، تاریخ‌نگاران و پژوهشگران اجتماعی دانسته است (حکیمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۴). سفرنامه‌ها به اقتضای ماهیت سفر به انواع مختلفی تقسیم می‌شود: سفرنامه‌های مذهبی؛ در این سفرنامه‌ها، هدف اصلی، زیارت و تبلیغات مذهبی است؛ سفرنامه‌های سیاسی؛ رجال سیاسی، بزرگان، سفیران و یا همراهان آنان که در سفرهای سیاسی خود برای برقراری ارتباطات سیاسی به سفر می‌روند، گاه اقدام به نوشتن شرح سفرهای سیاسی خود می‌کنند؛ سفرنامه‌های تخیلی؛ سفرنامه‌های مهاجرت؛ سفرنامه‌های نظامی؛ سفرنامه‌های اکتشافی؛ سفرنامه‌های علمی (همان: ۴۰-۹۲). همچنین سفر را می‌توان به سه دسته اجباری، اختیاری و غریزی تقسیم کرد (همایون، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

### بازتاب مسائل سیاسی در سه سفرنامه منتخب

#### - مأموریت سیاسی

دسته‌ای از سفرنامه‌های ایرانیان، به دستور پادشاهان و حاکمان وقت نوشته شده و تدوین می‌شد. به عنوان نمونه سفرنامه محمد ربیع نیز از جمله سفرنامه‌هایی است که نویسنده آن به دستور پادشاه وقت - شاه سلیمان یکم - مأمور به همراهی با فردی به نام «محمد حسین بیک» می‌شود که این فرد در میانه سفر در هند فوت می‌کند و محمد ربیع با نامه‌ای این خبر را به پادشاه خود می‌رساند. در این نامه، به مأموریتی که منجر به این سفر و بازدید از ولایات خارجی و همسایه ایران بوده، اشاره شده و خود دال بر سفارشی بودن از جنبه سیاسی و قالب مأموریتی آن است (محمدربیع، ۲۵۳۶: ۴۷). سفرنامه میرزا فتح‌خان نیز از جمله سفرنامه سیاسی ایرانی است که شرح مأموریت بازدید گروهی از سفرای ایرانی به همراه راوی سفرنامه در آن آمده است (فتح‌خان، ۱۳۴۷: ۷۲۸). در این میان سفرنامه حاج سیاح با وجود آنکه بیشتر در مورد مطالب سیاسی و تحولات اجتماعی در بستر تاریخی دوران قاجار است، اما سفرنامه‌ای سفارشی و یا سیاسی صرف نیست؛ زیرا این شخصیت برای سیاحت به سفرهای متعدد رفته که برخی از آن‌ها به واسطه جبر سیاسی دولتمردان بوده است. از این رو سفرنامه حاج سیاح را می‌توان در مرز میان سفرنامه سیاسی - سیاحتی دانست.

#### - روابط سیاسی کشورهای جهان

در سفرنامه «سفینه سلیمانی» راوی از سرزمینی یاد می‌کند که به دست انگلیسی‌ها از کشور هند اجاره شده بود. این نوع داد و ستد که به نوعی در حیطه روابط سیاسی است، با دادن هزینه‌ای از طرف کشوری به کشور دیگر، جزیره، بندر و یا شهری اجاره شده و تحت تسلط و فرمان کشور خریدار قرار می‌گرفت (محمدربیع، ۲۵۳۶: ۱۹). وجه دیگر روابط سیاسی، تقابل و روابط میان دو کشور مقتدر چون انگلیس و روسیه است. دو کشوری که در طول تاریخ سیاسی دولت‌ها در جهان، همواره نقش مهمی ایفا کرده و اتخاذ روش‌ها و سیاست‌های استعماری، تاریخ حیات دولت‌های بسیاری را تحت الشعاع

خود قرار داده بود. در دوران قاجار که سفرنامه میرزا فتح‌خان در این محدوده تاریخی نگارش یافته، دو دولت روس و انگلیس، قدرتمندترین دول جهان بودند که بر سر استعمار کشورهای شرقی به خصوص ایران و هند که گنجینه‌های مادی بسیاری برای آن‌ها محسوب می‌شدند، همواره در کشمکش و جدال بسر می‌بردند. در این میان جنگ‌ها و درگیری‌هایی نیز به واسطه سودجویی این دو ابرقدرت سیاسی در منطقه رخ می‌داد. نمونه این مجادلات جنگ ایران و هرات بود که با دخالت انگلیس منتفی گردید. این رویداد اهمیت ایران را در منطقه به صورت پل ارتباطی میان اروپا و شرق آسیا نشان داده و همچنین سندی تاریخی برای جدال میان دو دولت روس و انگلیس است. همچنین جنگ روسیه و ژاپن نیز از نبردهای مهمی است که در سفرنامه‌های فارسی بازتاب یافته است. این جنگ در فاصله سال‌های (۱۹۰۵-۱۹۰۴ م.) روی داد. این درگیری بر سر مالکیت شهر «پورت آرتور» و شبه جزیره «لیائودونگ» و خط آهن از «پورت آرتور» به «هاریین» درگرفته بود (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۵۴۱).

#### – روابط سیاسی ایران با سایر کشورها

در سفرنامه محمد ربیع، به جهت آنکه او به عنوان سفیری از دربار قدرتمند ایران به کشورهای مختلف سفر کرده، بسیاری از تعاملات سیاسی کشورهای شرق آسیا، دوستانه و در پی تحکیم روابط سیاسی با ایران بوده است. پادشاه شهر «لو» پس از آنکه سفیر ایران – محمد ربیع – قصد مراجعت از آن سرزمین را داشته در خلال مکالمه، پادشاه به این نکته اشاره می‌کند که سفیر پس از بازگشت به ایران، مراتب ارادت و صداقت او را به پادشاه ایران برساند (محمدربیع، ۲۵۳۶: ۷۸). اما زمانی که کفه ترازوی قدرت به سمت دولتمردانی چون روس و انگلیس پابین می‌آید، روابط سیاسی نیز وجه دیگری به خود می‌گیرند. در این موارد، این ایران است باید روابط دوستانه خود را با این کشورها مستحکم نماید. به عنوان نمونه میرزا فتح‌خان علت مأموریت سفیران ایرانی به انگلیس را بهم خوردن روابط دوستانه ایران و انگلیس بیان کرده است. پس از آنکه محمد شاه قاجار مسیر حرکت روس‌ها به سمت فتح هند را فراهم کرد، مورد غضب دربار انگلیس قرار گرفته و انگلستان اقدام به فتح خارک و پیاده کردن قوای نظامی خود کرد. محمد شاه، برای دلجویی و برقراری روابط دوباره با انگلیس، سفیرانی را به این کشور فرستاده تا به اصلاح روابط کمک نمایند (فتح‌خان، ۱۳۴۷: ۸۴۳-۸۴۴). نفوذ قدرت‌های بزرگی چون روس و انگلیس از دوران قاجار به بعد، در خاک ایران گسترش یافته و هر کشور، بخش‌های مختلفی از ایران را به اشغال خود درآورده بود. در کنار امتیازاتی که دولت به کشورهای روس و انگلیس بخشیده بود، قوای نظامی و غیرنظامی این دو کشور، در مناطقی که جنبه بهره‌برداری و منافع مالی داشته، حضور داشته و به چپاول منابع طبیعی و انسانی ایران می‌پرداختند. به عنوان مثال می‌توان به گیلان اشاره کرد که به دلیل وجود منابع غنی طبیعی و انسانی، روسیه، با اظهار دوستی نسبت به دولت ایران، در خاک گیلان نفوذ کرده و از منابع این منطقه به نفع خود استفاده می‌کرد (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۲۰۸). دولت‌های روس و انگلیس در ظاهری دوستانه، با ناصرالدین شاه به مراودات سیاسی و اقتصادی پرداخته و به دلیل بی‌تدبیری و بی‌کفایتی شاه، نفوذ بیگانگان در دربار و به طبع آن در خاک ایران بیشتر شد (همان: ۴۸۶).

#### – سفیران ایرانی

در مورد انتخاب سفیر برای فرستادن به کشورهای دیگر، محمد ربیع در سفرنامه خود به ویژگی‌ها و شاخصه‌های اصلی سفیر اشاره می‌کند. مهم‌ترین اصول یک سفیر، لیاقت، شایستگی فردی و عملکردی او است. این وظیفه به اندازه‌ای از منظر سیاسی مهم است که حتی در قرن‌های پیش نیز بر کاردانی و شایستگی سفیر تأکید می‌شد، به نوعی که ربیع، سفیر را زبان گویای پادشاه و امیری می‌داند که از طرف او به کشورهای دیگر فرستاده می‌شود (محمدربیع، ۲۵۳۶: ۱۰۵-۱۰۶). در سفرنامه میرزا فتح‌خان، در ابتدای سفر وارد کشور عثمانی شده و شخصی به نام «میرزا جعفرخان مهندس‌باشی» که سفیر وقت ایران در این کشور بوده به استقبال مسافران آمده و از آن‌ها پذیرایی کرد. نام «میرزا جعفرخان» در سفرنامه «ایلچی مختار» آمده که پس از مدتی لقب «مشیرالدوله» یافت (میرزا فتح‌خان، ۱۳۴۷: ۷۴۷). شخص آجودان‌باشی نیز به عنوان سفیری موقت برای رساندن پیام دوستی ایران نسبت به انگلیس به آن کشور فرستاده شده بود (همان: ۸۲۲). در سفرنامه حاج سیاح در سفرهای متعدد، او با سفیران ایرانی که در کشورهای روسیه، عثمانی، عربستان و کشورهای اروپایی بودند، ملاقات کرد. به عنوان نمونه او در ایتالیا با «میرزا ملکم‌خان» که سفیر ایران در رم بود، دیدار کرد (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۵۱۸).

#### – وضعیت سربازان و لشکر

اشارات محمد ربیع در سفرنامه خود بیشتر در مورد مسائل سیاسی و وضعیت کشورهای همجوار ایران است و بیشتر جنبه گزارشی داشته تا دربار ایران از وضعیت و میزان قدرت کشورهای مختلف آگاه شود. از این‌رو در مورد شیوه لشکردهاری و سپاهیان مردم «سیام» که محمد ربیع در سفر خود از آن بازدید کرده، آمده که سلاطین و شاهان این سرزمین دارای لشکر و سپاه عظیمی نیستند؛ بلند رعایا، سپاهیان لشکر را تشکیل می‌دهند (محمدربیع، ۲۵۳۶: ۱۳۵). توجه به قدرت نظامی و سپاهی کشورهای همسایه، از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجه هر کشور است که در مورد ایران نیز مصداق دارد. میرزا فتح در عبور از هر شهری که در مسیر سفر خود داشته، به بیان جزئیات حکومتی مانند اشاره به وسعت کشور، تعداد جمعیت و ولایات، مالیات و درآمد کشوری و همچنین سیستم نظامی و قدرت جنگی آن‌ها پرداخته است (میرزا فتح‌خان، ۱۳۴۷: ۷۸۷). اهمیت قوای نظامی و تأکید بر افزایش قدرت

اسلحه‌خانه، از جمله مواردی است که در کشورهای اروپایی همواره دارای اهمیت بوده است. اما این امر که از مهم‌ترین اصول سیاسی در هر حکومتی است، در دوران قاجار توسط دربار ایران مورد توجه قرار نگرفته بود. در مورد لشکر و سربازان ایرانی در این دوره، حاج سیاح به این نکته اشاره می‌کند که سربازان تنها از قشر کارگر و روستاییان تشکیل می‌شد. بسیاری از مالکان، ثروتمندان، بازاریان، روحانیون و... شغل لشکری را برای خود و خانواده خود مناسب نمی‌دیدند. در کنار این امر، عدم نظارت صحیح و تربیت درست نیروی نظامی، لشکریان تنها به چپاول و غارت مردم می‌پرداختند (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۱۰۹). او در ادامه بیان می‌کند که در میان روستاییان نیز تنها افراد شرور که کار و شغل درستی نداشتند، برای گرفتن مواجب و یا بهره از منافع دولتی وارد قشون و لشکر می‌شدند و در این میان کسانی که ثروتی داشتند، عنوانی نیز برای خود مانند ده‌باشی، یوزباشی، سرهنگ، سرتیپ و... مهیا می‌کردند. از این رو لشکر ایران در دوران قاجار نماد بی‌بند و باری، چپاول، بی‌اعتباری و عدم آموزش و سلوک نظامی بود (همان: ۱۱۰).

#### – مناسبات درباری و شیوه‌های اداره حکومت

در سفرنامه «سفینه سلیمانی» در ابتدای سفرنامه، نویسنده از «شاه سلیمان یکم»، (۱۰۲۶ – ۱۰۷۳ ش) یاد می‌کند. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که برای این پادشاه برشمرده شده، حاکی از اصول و قوانین درست پادشاهی و حکمرانی است. محمد ربیع، شاه سلیمان یکم را فردی دانسته که بساط امنیت را در جامعه رواج داده، حامی قوانین مملکت‌داری و حکمرانی بوده، عدالت‌محور و تنظیم‌کننده قوانین علیه ظلم و بی‌عدالتی بوده است (محمدربیع، ۲۵۳۶: ۴). او با توصیف‌های متعدد اوضاع ایران را در دوران این پادشاه شکوفا و مملو از امنیت و عدالت دانسته است؛ اما در این میان شواهد تاریخی حاکی از آن است که شاه صفی یا شاه سلیمان یکم، فردی بی‌کفایت و ظالم بود. اقبال آشتیانی از عملکرد ضعیف این پادشاه سخن می‌گوید و ایران را در زمان این پادشاه صحنه تاخت‌وتازهای ازبکان و عثمانیان بود (آشتیانی، ۱۳۹۲: ۸۳۸). در مورد شیوه اتخاذ تصمیم‌های دولتی، ربیع در سفرنامه خود به این امر اشاره می‌کند که در یکی از جزیره‌های دریای هند، شاه در هنگام اتخاذ تصمیمی، آن را با درباریان و مشاوران خود به شور می‌گذاشت تا اگر اشکال یا نقضی در تصمیم باشد، به او اطلاع داده و آن را رفع کنند. از دیدگاه او این امر شیوه بسیار مناسبی در اداره امور کشوری است زیرا سبب می‌شود تا نقصان و کاستی‌ها در اتخاذ تصمیمات کمتر پدید آید (همان: ۲۰۲). از جمله نقص‌های مهم پادشاهان که در سفرنامه‌ها به آن اشاره شده، بی‌مسئولیتی و بی‌کفایتی شاهان است. در سفرنامه «سفینه سلیمانی» محمد ربیع از شاه سرزمین چین سخن می‌گوید و با برشمردن خصلت‌ها و اعمال ناپسند به نكوهش این شیوه از مملکت‌داری پرداخته است. ربیع اگرچه با زبان ادبی و شاعرانه خود مواردی را ذکر می‌کند؛ اما در این میان عملکردهای منفی شاه را نشان داده و برجسته‌ترین آن‌ها را گرایش شاه به لهو و لعب، اتخاذ تصمیم‌های ناصحیح که به دور از خرد و عقل‌اندیشی است، وجود تکبر و غرور در وجود شاه، دور شدن از عدالت‌محوری و ... دانسته است (همان: ۲۰۴). در سفرنامه میرزا فتح‌خان، او به شیوه اداره امور مملکت عثمانی پرداخته و شرح می‌دهد که بعد از پادشاه که قدرت اصلی حکومت است، تنها صدراعظم و وزیر امور خارجه هستند که دارای قدرت وضع قوانین و یا اتخاذ تصمیم‌های حکومتی هستند (فتح‌خان، ۱۳۴۷: ۷۵۹). در نقطه مقابل این شیوه اداره حکومتی، فتاح به وجود پارلمان و مجلس در کشور انگلیس اشاره می‌کند. انگلیس با آنکه در آن دوران، حکومتی پادشاهی داشت، اما دارای مجلسی بوده که تعدادی از دولتمردان که از طرف مردم و گروهی از جانب حکومت، انتخاب شده، در یک ساختمان گرد هم آمده و به رفع امور مردم و وضع قوانین حکومتی می‌پرداختند (همان: ۸۲۹). رویکرد سیاست داخلی ایران در دوران قاجار، همسو با دولتهایی بوده که سیستم پادشاهی و قدرت تک‌محوری را اتخاذ کرده بودند. حاج سیاح در سفر خود به ملاقات شاهزاده معتمدالدوله، والی شیراز می‌رود. سیاح به شاهزاده توصیه می‌کند که در ابتدا باید به فکر آموزش و تعلیم عوام باشد و قوانین شرعی و نحوه پیروی از آن‌ها را آموزش دهد؛ اما در مقابل شاهزاده او را از گفتن سخنانی که ریشه در روشنفکری داشته، باز می‌دارد و معتقد است که تنها راه اداره امور و کنترل مردم، خشونت است. این دیدگاه در مورد شیوه اداره حکومت در دوران قاجار بسیار رایج بوده در حالی که همزمان با این شیوه حکومتی در کشورهای اروپایی و ممالک دیگر، سیاحان مختلف از اهمیت آموزش و تعلیم و تربیت در ساختار حکومتی یاد کرده‌اند و این خود نشان از عقب‌ماندگی فرهنگی و سیاسی ایران دوران قاجار است (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۲۰). در میان صاحب‌منصبان ایرانی، تنها امیرکبیر بود که در دوران قاجار از شیوه مملکت‌داری او به خوبی یاد شده است. از جمله معضلاتی که در اداره سیاسی کشور به شیوه پادشاهی رواج داشته، قدرت‌طلبی و زورگویی حاکمانی است که مردم از دست ظلم آن‌ها پناه به جایی نداشته و نمی‌توانستند شکایت خود را حتی بیان کنند. از نمونه ظلم و جور حاکمان ظالم می‌توان به خرابی‌های شهر کرمان اشاره کرد. حاج سیاح در سفرنامه خود به این مطلب اشاره می‌کند که پس از سقوط حکومت زندیه، زمانی که لطفعلی خان زند از پایتخت گریخت و به کرمان پناهنده شد، و حتی پس از آنکه او کشته شد، این شهر مورد غضب شاهان قاجار قرار گرفته و ظلم و ستم بسیاری به مردم این دیار وارد شده بود (همان: ۱۶۳). در مورد ناصرالدین شاه، موارد بسیاری در سفرنامه حاج سیاح ذکر شده که اوضاع و شرایط نامساعد مردم در دوره قاجار را توصیف می‌کند (همان: ۱۰۳). از جمله شیوه‌های اداره امور حکومتی در ایران دوران قاجار وجود تیول‌داری است. در این شیوه، ملک و ولایتی به شاهزاده یا صاحب‌منصبی سپرده می‌شود و از او وجهی دریافت می‌شد. از آن پس آن شخصیت، خود مالک آن منطقه بوده و تمام مخارج خود و حتی پولی که به دولت پرداخته بود را از مردم همان منطقه دریافت می‌کرد. با سپرده شدن منطقه به فرد، دیگر حکومت هیچ نظارت و دخالتی بر امور اقتصادی، دادرسی، رفاه عمومی و... نداشته و به گفته حاج سیاح، هر تیول خود پادشاهی کوچکی می‌شد و رعایا، اسیرانی در دست والی آن شهر بودند (همان: ۱۸۸-۱۸۹). معضل دیگری که در اداره امور حکومتی در دوران قاجار وجود داشته، عدم شایسته‌سالاری به واسطه رشوه‌های کلانی بود که طالبان قدرت به درجات بالای حکومتی پرداخت می‌کردند

تا به شغل‌های مهم درباری دست یابند. هرچه فرد پول بیشتری پرداخت می‌کرد، قدرت و نفوذ بیشتری در امور دولتی یافته و مسئولیت‌های متعددی به او سپرده می‌شد (همان: ۲۰۱-۲۰۲). سیاح در توضیح این قسم امور و انتخابات در دربار ایران بیان می‌کند که این انتخابات تنها نشانه‌ای از خودخواهی و قدرت‌طلبی شاه است. او برای آنکه افراد لایق و شایسته را در مرتبه پایین‌تر از خود نگاه دارد، افراد بی‌لیاقت را بر آن‌ها برتری می‌دهد (همان: ۱۰۴). تجمل‌طلبی و مال‌اندوزی یکی از ویژگی‌های برجسته شاهان است که اگر بیش از اندازه شود، مایه آزار رساندن به طبقه ضعیف جامعه می‌شود. در سفرنامه حاج سیاح، تشریفات بیش از اندازه و تجملاتی که شاهزاده اصفهان برای خود فراهم کرده بود، از نظر او بسیار ناپسند آمده و به مذمت این شیوه مملکت‌داری و حکومت کردن پرداخته است (همان: ۳۹). شاهزاده‌ای که والی تنها یکی از شهرهای ایران بوده به اندازه‌ای برای خود تجملات و تشریفات قائل شده بود که به گفته سیاح برای یک پادشاه بزرگ کشور نیز لازم نبود و این خود اشاره به وضعیت بد حکمرانی در دوران قاجار دارد. نقطه مقابل زندگی اشرافی صاحبان قدرت، زندگی مردم عوام و فقرا است که به واسطه همان سلطه‌جویی و تجمل‌گرایی، فشارهای اقتصادی بر قشر فقیر بیشتر از پیش وارد می‌شود (همان: ۳۹).

#### – روابط مردم با حکومت

یکی از انتقاداتی که میرزا فتح در سفرنامه خود در مورد مردم ایران مطرح کرده، مقایسه آن‌ها با مردم کشور عثمانی است. او یکی از خصوصیات برجسته مردم این کشور را اطاعت محض از پادشاه خود بیان کرده است. به نوعی که اگر شاه دستور قتل کسی را بدهد، آن فرد با رضایت کامل خود را تسلیم مرگ می‌کند و حتی بازماندگان نیز از این امر اندوهگین نمی‌شوند. در صورتی که فتح معتقد است مردم ایران، این میزان ارادت و جان‌نثاری را نسبت به پادشاه خود ندارند و اگر بی‌رحمی از شاه ببینند، او را مورد نکوهش قرار می‌دهند (فتح خان، ۱۳۴۷: ۷۵۵). میرزا فتح دلیل این جان‌نثاری و ارادت مردم به پادشاه خود را ذکر نمی‌کند و تنها به انتقاد از مردم ایران می‌پردازد. در صورتی که حاج سیاح از اقدامات ناخوشایند دولت و زندگی اسفبار مردم ایران حکایت می‌کند که یکی از مهم‌ترین دلایل دلسردی مردم نسبت به سیستم شاهی دوران قاجار بود. در مورد گرفتن مالیات‌های سنگین از مردم، حاج سیاح احساس تأسف خود را در بخش‌های مختلف سفرنامه خود بیان کرده است. او معتقد است که در دوران قاجار، دولت تمام هزینه‌های خود را از رعایا دریافت می‌کرد و به نوعی رعیت، بنده و خردمکار شاه و درباریان بودند تا زمین‌های عیش و نوش و تجملگرایی آن‌ها را مهیا کنند (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۱۸۹).

#### – تشکیل دولت‌ها و انقلابات

«در دانش سیاسی، معنای اصلی انقلاب براندازی طبقه حاکم به عمد و به احتمال زیاد، با توسل به خشونت به دست طبقه‌ای دیگر است که توده‌های مردم را علیه نظام موجود بسیج می‌کنند و نه فقط توزیع قدرت را به کلی زیر و رو می‌کند، بلکه سبب ایجاد تغییراتی بزرگ در کل ساختار اجتماعی می‌شود. انقلاب با کودتا که دسته‌ای از حاکمان را به جای دسته‌ای دیگر می‌نشانند، متفاوت است. از طرفی، ویژگی‌هایی مانند توده‌ای بودن، سازمان‌یافتگی، داشتن ایدئولوژی که سیمایی از آینده موعود مطلوب را بیان می‌کند، رهبری فرهنگمند، منهدم‌کنندگی، سرنگونی نظام سیاسی حاکم، و استقرار نظام جدید در انقلابات مشاهده می‌شود» (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۸). در سفرنامه‌هایی چون «سقیه سلیمانی» راوی از پیشینه و تاریخ تشکیل دولت‌ها و ساخته شدن شهرها اطلاعاتی به مخاطبان می‌دهد. به عنوان نمونه، محمد ربیع از سرزمین «سیام» که با نام‌های ماچین و ایودیا به معنی شهر بزرگ در آن زمان معروف بوده، سخن می‌گوید. او پادشاهی این سرزمین را نخست متصل به سلسله پادشاهی سرزمین دیگری به نام «برمه» یا «پیوگو» برشمرده است. جزئیات و رویدادهای سیاسی که در طی مدت زمانی در این سلسله پادشاهی روی داده توسط راوی سفرنامه ذکر شده است (محمدربیع، ۲۵۳۶: ۸۷). در سفرنامه میرزا فتح نیز به تحولات سیاسی سایر کشورها اشاره شده است. انقلاب فرانسه (۱۷۹۹-۱۷۸۹ م.) یکی از بزرگ‌ترین انقلابات مردمی جهان است که روند ساختار حکومتی را در این کشور تغییر داد. میرزا فتح، به وجود اغتشاشات و شورش‌های مردمی در فرانسه که خود شاهد آن‌ها بوده، اشاره کرده است (میرزا فتح خان، ۱۳۴۷: ۸۲۷). در ایران نیز شاهد بروز شورش‌ها و انقلابات مختلف بر علیه دستگاه حکومتی در طول تاریخ هستیم. از جمله شورش‌های مذهبی که بر علیه حکومت ناصرالدین شاه در ایران رخداد توسط «شیخ عبدالله» از آذربایجان بود. او پیروانی از اهل سنت داشته که با روشن کردن آتش اختلاف میان شیعه و سنی، این فرد را تحریک به ایجاد لشکر و شورش علیه شاه کردند. او قصد داشت، به پایتخت حمله کرده و شاه را عزل کند و دولتی برپا کند که سنی مذهب و با رویکرد صوفیانه مانند دولت صفوی باشد. حمله شیخ عبیدالله به ارومیه در تاریخ ارومیه خیلی اهمیت داشت (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۲۳۸). از جمله مهم‌ترین شورش‌ها و اعتراضات اجتماعی مردم ایران در دوران قاجار که در سفرنامه حاج سیاح قید شده، جنبش توتون و تنباکو است. «جنبش‌های اجتماعی در معنای وسیع آن، می‌توانند در هر جامعه و در هر زمینه و شاخه‌ای از زندگی اجتماعی به وقع بییندند. اگر جامعه را به نظام و زیرنظام‌هایی تقسیم کنیم، جنبش اجتماعی می‌تواند در همه نظام‌ها و زیرنظام‌ها اتفاق افتد، مانند جنبش صنعتی، جنبش هنری، جنبش اقتصادی و... اما آنچه بیشتر از همه شهرت دارد و در اذهان جلوه می‌نماید، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی است. این جنبش‌ها از آن جهت که می‌توانند منشاء تغییرات اجتماعی باشند، از اهمیت بسیاری برخوردارند» (مرشدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷۸). نخستین اعتراض‌های دینی نسبت به این مقوله، توسط سید علی‌اکبر فال اسیری داماد میرزای شیرازی و از علمای برجسته شیراز آغاز شد. این قیام مردمی از شیراز به تبریز، مشهد،

اصفهان، تهران و دیگر نقاط ایران گسترش یافت (کربلایی، ۱۳۷۳: ۸۰). علما، مصرف دخانیات و تنباکو را تحریم کردند و کارکنان رژی را نجس خواندند. از این رو تولیدکنندگان تنباکو، محصولات خود را یا به آتش کشیدند یا در بین فقرا تقسیم کردند و از معامله با کمپانی رژی خودداری کردند. سرانجام شاه و کمپانی رژی تنها به صادرات تنباکو قناعت کردند و با فشار مردم و روحانیونی چون میرزا حسن آشتیانی، قرارداد فسخ گردید. این جنبش توانست به واسطه مشارکت مردم و اتحاد آن‌ها با روحانیون متوقف شود (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۳۳۵). از بزرگترین انقلاباتی که در تاریخ سیاسی ایران روی داد، نهضت مشروطه بود. زمینه‌های این شورش مردمی و تحول عظیمی که در سیاست ایران پدید آورد، موارد مختلفی بود. «بحران‌ها و ضعف در اداره جامعه از دیگر مولفه‌های شرایط سیاسی جامعه در آستانه انقلاب مشروطه است. از مهم‌ترین این بحران‌ها، بحران مالی، فقر و بیکاری و بحران قومی را میتوان نام برد» (سرایی و هاشم‌زهی، ۱۳۸۱: ۸۵). یکی از رخدادهایی که آتش شورش‌ها و اعتراضات را شعله‌ور کرد، عملکرد عین‌الدوله در مقام صدراعظم بود که با تبنای امام جمعه شهر، گروهی از روحانیون مشروطه‌خواه و بازاریانی که برای درخواست کمک نزد او آمده بودند را مورد ضرب و شتم قرار داده و همین امر سبب بروز اعتراضات بیشتر، بسته شدن بازار، تحصن بازاریان و افزایش موج انقلاب در ایران گردید. به تعبیری نقطه آغازین مشروطه از اقدامات بازاریان و روحانیون بود (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۵۵۵). در میان این شورش‌ها، بسیاری از روحانیون که به سخرازی در مساجد و منابر بر علیه حکومت و محمدعلی شاه سخرازی می‌کردند، دستگیر شدند. یکی از دلایل تأثیرگذار در برانگیخته شدن خشم ملت، اقدام به دستگیری «محمد واعظ» بود که با یاری و حمایت مردم از دست سربازان حکومتی نجات می‌یابد (همان: ۵۵۶). پس از این اقدامات، روحانیون دیگر امنیت جانی نداشته و به همین دلیل زمانی که در مسجدی گرد آمده بودند، مورد محاصره سربازان عین‌الدوله قرار گرفتند. مقاومت روحانیون و بازاریان، سرانجام منجر به آزادی آن‌ها از مسجد و همچنین پایداری بیشتر انقلاب مشروطه گردید (همان: ۵۵۶-۵۵۷). طبق آنچه ذکر گردید، اگرچه این انقلاب، جنبشی مردمی بود، اما روحانیون نیز در کنار سایر اقشار جامعه، بخصوص بازاریان، نقش مهمی ایفا کردند. برخی از روحانیون برجسته نهضت مشروطه، در ابتدای این قیام، برای آنکه از دست محمدعلی شاه در امان بمانند، به حرم حضرت عبدالعظیم (ع) رفته و در آنجا تحصن کردند (همان: ۵۵۷). در این میان، برخی از علمای خارج از ایران و مخصوصاً عتبات، در نامه‌هایی موافقت خود را با این انقلاب علنی کرده و مردم را به حمایت از مشروطه‌خواهان ترغیب کردند. حاج سیاح در سفرنامه خود به این امر نیز اشاره کرده است (همان: ۵۷۲). زمانی که خشونت نظام حکومتی محمدعلی شاه و سختگیری‌های عین‌الدوله رو به وخامت نهاد، گروهی از مردم، به سفارت انگلیس پناه برده و از آن‌ها درخواست کردند تا شاه را به عقد معاهده مشروطه وادار کنند (همان: ۵۵۸). آنچه مردم و مشروطه‌خواهان را وادار به شورش و جنبش کرد، مشاهده بی‌عدالتی‌های شاه و درباریان نسبت به مردم بود. حاج سیاح معتقد است که مردم تنها عدالت را می‌خواستند و در این راه از دولت انگلیس نیز که حامی بود، کمک طلبیدند تا به احقاق حقوق اولیه زندگی اجتماعی خود که آزادی و عدالت است، دست‌یابند (همان: ۵۶۰-۵۶۱). سرانجام با وجود تمام مخالفت‌ها و قدرت نظامی محمدعلی شاه، فرمان تصویب مشروطه به دست محمدعلی شاه امضا گردید (همان: ۵۶۱). نقطه مقابل انگلیس که حامی مشروطه بود، روسیه با تمام قدرت به کارشکنی و فرستادن نیروی نظامی به ایران، اقدام کرده بود. «در آستانه انقلاب مشروطیت دو قدرت خارجی روس و انگلیس برای سلطه بر ایران با هم رقابت می‌کردند. روسیه با اشغال نظامی بخش‌هایی از ایران و دخالت در انقلاب مشروطه بر نفوذ و سلطه خود در ایران افزود و بریتانیا هم در برابر این اقدام روسیه ساکت ماند» (سرایی و هاشم‌زهی، ۱۳۸۱: ۸۷). در سفرنامه حاج سیاح نیز به کارشکنی‌های روسیه در انقلاب مشروطه اشاره شده که وارد شدن قزاق‌ها و نیروهای نظامی به خاک ایران از جمله این موارد است (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۵۶۳). پس از تشکیل مجلس، نمایندگانی از نقاط مختلف ایران از طرف مردم انتخاب شدند و در بهارستان جمع شده و به تصویب قانون و اساسنامه‌هایی اقدام کردند. حتی پس از تشکیل مجلس و تصویب قانون اساسی، محمدعلی شاه، همچنان در پی برهم زدن این جریان و دستگیری مسببان اصلی این نهضت بود (همان: ۵۶۷-۵۶۸). سرانجام محمدعلی شاه به واسطه تحریکات روسیه وارد فاز نظامی شده و با کمک توپ، سعی در نابودی بهارستان و نمایندگان مردم که در آنجا بودند، کرد. در این واقعه، عده‌ای مجروح شده و چند نفر کشته شدند (همان: ۵۹۷). پس از این جریان، در شهرها حکومت نظامی برقرار شد و بسیاری از مشروطه‌خواهان کشته و یا دستگیر شدند. مردم که به واسطه سخرازی‌ها و جریان روشنفکری که در ایران برپا بود، در بیشتر شهرها در برابر این اقدامات شرورانه ایستادگی می‌کردند. از جمله دو فرد مبارز در تبریز بودند که به دلیل اقدامات دولتی و آزار مردم، دست به قیام بر علیه دولت زدند. ستارخان قراچه‌داغی (۱۲۴۵-۱۲۹۳ ش) از سرداران جنبش مشروطه ایران ملقب به «سردار ملی» و در کنار او باقر خان (۱۲۴۰-۱۲۹۵ ش) که مشهور به «سالار ملی» در قیام پس از مشروطه در تبریز مقاومت و مبارزه می‌کردند (همان: ۶۰۱). در کنار مردم تبریز، قیام مردم اصفهان و بختیاری‌ها نیز پس از مشروطه به اوج خود رسید. علی‌قلی خان سردار اسعد (۱۲۳۶ منطقه بختیاری - ۱۲۹۶ ش) از رجال سیاسی دوره قاجار بود که طی قیام بر علیه حکومت معروف به «سردار اسعد بختیاری» شده و با سران لر بختیاری اقدام به قیام بر علیه حکومت قاجار کرد (همان: ۶۱۱-۶۱۲). موج آزادی‌خواهی به تمام نقاط ایران رسید. رشت نیز یکی از مراکزی بود که با حمایت مردم و آزادی‌خواهان، به قیام بر علیه حکومت قاجار و محمدعلی شاه پرداخت. در این میان فردی به نام «محمدولی خان سپهدار» رهبری قیام مردم رشت را رهبری کرد (همان: ۶۱۵). سرانجام این قیام‌ها منجر به فتح تهران بدست سپهدار و سردار اسعد شد. محمد علی شاه پس از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، به سفارت روسیه پناهنده شد و سرانجام مجبور به ترک ایران شد. پس از او مشروطه‌خواهان، پسرش احمد شاه را بر تخت نشانند (همان: ۶۳۲).

### – موضع روحانیون در برابر پادشاهان

در دو سفرنامه «سفینه سلیمانی» و سفرنامه فتح خان، از روابط و نقش روحانیون در جامعه ایران سخن به میان نیامده است. زیرا سفرنامه محمد ربیع در مورد کشورهای خارجی بوده و سفرنامه فتح خان نیز در مورد روابط ایران و کشورهای اروپایی است. اما حاج سیاح به عنوان راوی رویدادهای سیاسی ایران در آن دوران، اظهار نظرهای خود را در مورد جایگاه روحانیت در امور سیاسی ایران ذکر کرده است. در سفرنامه حاج سیاح او به گروهی اشاره می‌کند که سیمت‌های مذهبی چون امام جماعت و جمعه را به واسطه سابقه خانوادگی و یا رشوه‌هایی که به مقامات داده بودند، کسب کردند. سیاح این گروه را مورد نکوهش قرار داده و در برابر آن‌ها از فردی به نام «ملاحسن پابرهنه» یاد می‌کند که در سفر خود از شیراز با او ملاقات کرده و روحانی صوفی مسلک بود (همان: ۱۹). روحانیونی که سیاح از آن‌ها در سفرنامه خود یاد کرده، به غیر از چند مورد که از عالمان روزگار و انسان‌هایی فرهیخته بودند، بیشتر روحانیون در فکر جمع‌آوری مال، سوء استفاده از موقعیت خود در میان مردم و دربار و بهره‌کشی از موقعیت دینی خود بودند (همان: ۱۹۶). در برابر فوج عظیمی از ملاها و روحانیونی که طرفدار دولت و حکومت قاجار بودند و عاملانی در جهت چپاول بیشتر مردم ایران بودند، گروهی از روحانیون نیز در ایران بودند که در برابر ظلم و ستم شاهان قاجار به خصوص ناصرالدین شاه، دست به اعتراض و اقداماتی در جهت روشن شدن اذهان مردم زدند. به عنوان نمونه، در قائله توتون و تنباکو، جمعی از روحانیون بودند که این قرارداد را تحریم کرده و با کمک شورش‌های مردمی، سرانجام این قرارداد را فسخ کردند.

### – مستعمرات

در سفرنامه میرزا فتح، به کشوری در مرز عثمانی و اتریش اشاره می‌شود که در گذشته کشوری مستقل بوده اما پس از قدرت گرفتن عثمانی و حملاتی که به این کشور داشته، استقلال کشور از بین رفته و حاکمیت آنجا به عنوان ولایتی از اتریش توسط پادشاهی که از آنجا برایشان انتخاب می‌شد، اداره می‌شد. فتح اضافه می‌کند که تمام امور کشوری این منطقه تحت نظر اتریش اجرا شده از این رو یکی از مستعمرات آن کشور محسوب می‌شود. نام دقیقی از این منطقه در سفرنامه قید نشده اما فتح آن را مرز ورودی به کشور روم ذکر کرده است (فتح خان، ۱۳۴۷: ۷۶۴). از جمله مستعمرات انگلیس، کشور هند است که در سفرنامه حاج سیاح به آن اشاره شده و دلیل این سلطه‌گری را او بی‌کفایتی شاهان و تجملگرایی بیش از اندازه شاهان قبلی هند دانسته است. به نوعی سیاح، استعمار شدن کشور به دست بیگانگان را نتیجه بی‌تدبیری و بی‌کفایتی سردمداران حکومتی و عدم دانش و آگاهی مردم آن کشور دانسته است (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۳۹). حاج سیاح یکی از دلایل نفوذ استعمار در یک کشور را سوءاستفاده‌های اقتصادی توسط سلطه‌جویان دانسته است. در شرایطی که ایران در سال‌های قحطی گرفتار کمبود آذوقه و غذای اصلی بود، کشورهای چینی و روسیه و انگلیس از این موقعیت استفاده کرده و نیازهای روزانه مردم را تا حدودی تأمین می‌کردند و این امر خود با گرفتن امتیازهایی از ایرانیان و نفوذ بیش از پیش در کشور همراه بود (همان: ۵۶).

### – قراردادهای سیاسی

از جمله عملکردهای سیاسی که در حوزه اجتماعی ایران نیز نقش داشت، تصمیم‌گیری آجدان‌باشی در سفر به انگلیس و فرانسه است که در این سفر، او تمهیداتی جهت اعزام افرادی که در صنعت اسلحه‌سازی، پارچه‌بافی و بلورسازی مهارت داشتند، را به ایران صورت داد (فتح‌خان، ۱۳۴۷: ۸۸۳). برخی قراردادهای سیاسی در میان دولت‌ها، گاه دارای منفعت دوجانبه بوده مانند قرارداد فوق که میرزا فتح برای بالا بردن قدرت نظامی ایران منعقد کرده بود؛ اما در بیشتر معاهدات، تنها کشورهای قدرتمند هستند که به قصد چپاول و بهره‌کشی بیشتر، قراردادهایی یک‌جانبه را منعقد می‌کنند که بیشتر این موارد از سوی کشورهای روس و انگلیس در مورد ایران صورت گرفته است. قرارداد روتر، از جمله امتیازاتی بود که دولت ناصرالدین شاه به شخصی یهودی به نام «بارون جولپوس دو روتتر» (یهودی انگلیسی آلمانی تبار) بخشید (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۹۷). پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر به اروپا، امتیازهای بسیاری به دولت‌های روس و انگلیس بخشیده شد و بیشتر از پیش زمینه‌های نفوذ و ورود استعمارگران به خاک ایران مهیا شد. در برابر این قراردادهای سیاسی، در برخی از مواقع نیز مردم و روحانیونی به اعتراض نسبت به این اقدامات پرداخته که مانند قیام تنباکو (۱۳۰۹ ق) سبب بروز اغتشاشاتی در ایران گردید (همان: ۳۲۸).

### – مالیات و عوارضی

در کشور عثمانی آن‌گونه که در سفرنامه میرزا فتح به آن اشاره شده، شیوه اخذ مالیات‌ها به صورت غیرمستقیم صورت می‌گرفت؛ به نحوی که اگر فردی قصد حکومت بر ولایتی را داشت، درخواست خود را به رجال حکومتی تحویل داده و پس از تأیید آن‌ها، فرد به صرافانی که در استامبول ساکن بود، مراجعه کرده و با تعهدی دو طرفه هر سال این صراف بوده که مالیات معین شده را پرداخت می‌کرد (میرزا فتح خان، ۱۳۴۷: ۷۵۹). راهکاری که کشورهای پیشرفته برای تأمین نیازهای مالی طرح‌های عمرانی خود در کشور انجام می‌دهند، معمولاً استفاده از همان تکنولوژی و صنعت است. به عنوان نمونه گرفتن عوارض و مالیات در مورد امکانات رفاهی که در شهر ساخته می‌شود، یکی از مواردی است که هزینه‌های احداث و راه‌اندازی آن پروژه را جایگزین می‌کند (همان: ۸۳۶). در دوران گذشته ایران، گرفتن مالیات شیوه‌ای نامتعارف داشته و بیشتر درآمدهای کشوری از حاصل دسترنج مردم،

کشاورزان، روستائیان و شهرنشینان تأمین می‌شد. حاکمان به اندازه‌ای در تجملگرایی خود غرق بودند که به احوالات مردم رسیدگی نکرده بلکه برعکس آن‌ها را زمینه تأمین نیازهای مادی خود قرار داده بودند. والیان و حاکمان ولایات مختلف نیز برای پرداخت هزینه‌هایی که به دولت در ازای رشوه و حق والی‌گری باید پرداخت می‌کردند، از رعیت خود هزینه‌های گزاف به عنوان مالیات دریافت می‌کردند. چپاول مردم به واسطه مالیات گرفتن از آنها روزه روز مردم ایران را فقیرتر و محتاجتر از پیش کرده بود. حاج سیاح به تعیین مالیات‌هایی برای مردم اشاره کرده که اگر یک فرد روستایی تمام محصول خود را نیز می‌فروخت باز هم بدهکار بود از این‌رو به راه‌های دیگر مانند فروش زنان و دختران خود دست زده تا بتواند خود و خانواده خود را از گزند مالکان در امان نگاه دارند. محصولات آنکه از کشاورزان به بهای اندک خریداری می‌شد، در انبارهای مالکان مانده و به چندین برابر قیمتی که خریده شده بود به همان کشاورزان فروخته می‌شود و تمام این بلاها تنها به واسطه عدم وجود سیستم نظارتی صحیح بر کسب درآمدهای دولتی و گرفتن مالیات‌های گزاف از مردم بود (حاج سیاح، ۲۵۲۶: ۱۶۶). در آن دوران یکی از وزارتخانه‌های حکومتی «وزارت مالیه» بود که مسئولیت آن جمع‌آوری مالیات و تأمین هزینه‌های حکومتی بود. این سمت نیز مانند دیگر منصب‌های درباری، با رشوه به فردی سپرده می‌شد که تنها نامی برای آن فرد کسب شود. اشخاصی که به این سمت منصوب می‌شدند، با روش‌های غیرقانونی به چپاول اموال مردم می‌پرداختند (همان: ۴۸۵).

#### - پناهندگی سیاسی

پناهندگی سیاسی که اغلب منجر به مهاجرت اجباری از کشور می‌شود، زمانی تعریف می‌شود که شخصی مورد تعقیب و پیگرد حکومت یا گروه سیاسی خاصی قرار گرفته باشد. حاج سیاح از جهانگردانی است که پس از ورود به ایران، صدمات زیادی متحمل شده و به زندان افتاد. او پس از رهایی از زندان، به سفارت آمریکا در تهران مراجعه کرده و برگه‌ای که دعوت به پناهندگی او را در سفرهای او به آمریکا دریافت کرده بود را به مأموران سفارت داده و خود را تبعه آمریکا کرد تا از گزند شاه در امان بماند (همان: ۴۳۸-۴۳۹).

#### - ترورهای سیاسی

میرزا رضا کرمانی (۱۲۷۵-۱۲۲۶ ش) ملقب به «شاه‌شکار»، که به شدت تحت تعلیمات و سخنان سید جمال‌الدین بوده سرانجام تصمیم می‌گیرد که بانی وضعیت اسفبار ایران، ناصرالدین شاه را ترور کند. او پس از بازگشت از استامبول، در حرم عبدالعظیم ساکن می‌شود تا در موقعیتی مناسب اقدام خود را عملی کند. در آن دوران، ناصرالدین شاه در پی مراسم پنجاهمین سالگرد حکومت خود بوده و برای زیارت به عبدالعظیم (ع) رفته بود. سرانجام در روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۲۷۵ میرزارضا به بهانه دادن عریضه به شاه، به او نزدیک شده و از زیر عریضه با تیپانچه به ناصرالدین شاه شلیک می‌کند. میرزا رضا پس از ترور شاه، اعدام شد (همان: ۴۵۹).

#### - جمع بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر آن بودیم تا بازتاب مسائل مختلف سیاسی در سفرنامه‌های دوران صفویه و قاجار مورد مطالعه قرار گیرد. در این خصوص سه سفرنامه «سفینه سلیمان» از محمد ربیع، «سفرنامه میرزا فتاح خان» و «سفرنامه حاج سیاح» انتخاب گردیدند. توضیحات حاج ربیع در مورد مسائل سیاسی در سفرنامه خود بیشتر در مورد کشورهای همسایه‌ای است که به آن‌ها سفر کرده، اما سفرنامه میرزا فتاح به روابط سیاسی ایران با کشورهای قدرتمند اروپایی پرداخته است. دیدگاه حاج سیاح، در این زمینه متفاوت است. او که واسطه به دستگاه حکومتی نبوده، با دیدی انتقادی به روابط و مسائل سیاسی ایران از وجه داخلی و خارجی نگریسته است. در مورد روابط سیاسی کشورهای مختلف جهان، در این سه سفرنامه، به سه مورد پرداخته شده است: ۱. کشورهای قدرتمند با دادن هزینه‌های منطقه‌ای را اجازه کرده و نیروهای نظامی و غیرنظامی خود را در آنجا مستقر می‌کنند تا تسلط بیشتری بر کشور مورد نظر داشته باشد. ۲. با کمک روش‌های دوستانه و تعاملات سیاسی سعی در نفوذ دارد که اغلب آن کشورها در نهایت به شکل مستعمراتی در می‌آیند. مانند نفوذ کشورهای روس و انگلیس در ایران. ۳. با خشونت و جنگ سعی در نفوذ و تسخیر منطقه داشته مانند جنگ ژاپن و روسیه. در مورد بازتاب قدرت نظامی که یکی از پایه‌های امور سیاسی است، در سفرنامه‌ها به مواردی اشاره شده است که در آن‌ها کشورهای مترقی همواره لشکر و سیستم نظامی خود را پویا و مستحکم داشته اما کشورهای ضعیف‌تر چون ایران در دوران صفویه و قاجار، اهمیتی به لشکر و نظام ارتشی خود نمی‌داند. در مورد مناسبات درباری در سه سفرنامه به مقوله‌ها و عناصر مختلفی اشاره شده است. گاه شاهان در سفرنامه به دلیل وابستگی نویسنده به دربار شخصیتی عدالت‌محور و مردمی معرفی می‌شود در حالیکه در بستر جامعه، چنین رخدادهایی نبوده و مردم همواره در آزار و عدم رفاه بسر می‌برند. از این‌رو در دو سفرنامه سفینه سلیمانی و سفرنامه میرزا فتاح، حکومت ایران، قدرتمند و عدالت‌محور است. در حالی که در سفرنامه حاج سیاح، بیان می‌شود که لازمه پادشاهی و رهبری کشوری، عدالت‌محوری و تأمین نیازهای مردم است که در دوران قاجار، این امر هرگز صورت نگرفته بود. بی‌کفایتی، نالایق بودن، ظلم و جور شاهان نسبت به رعیت، خود یکی از نتایج حکومت‌های شاهی است. عاملی که سرانجام منجر به انزجار مردم از حکومت وقت شد. همین سیستم در حکومت عثمانی و حکومت قاجار سرانجام منتهی به سرنگونی نظامی شاهی گردیده بود. در سفرنامه حاج سیاح است که به صورت شفاف، معضلات و کجروی‌های شاهان قاجار بیان شده است. در این سه سفرنامه، رویکرد مردم در مقابل حکومت هم دو نوع ذکر شده است: گروهی از



مردم که بدون چشم‌داشتی، مطیع حکومت خود هستند مانند مردم عثمانی و گروهی که به دلایل مختلف در برابر حکومت خود جبهه‌گیری می‌کنند و دست به اعتراض و بیان ناراضی می‌زنند مانند مردم ایران. انقلاباتی اشاره شده دارای چند ویژگی خاص است: ۱. انقلاباتی که در سطح درباریان بوده و برای کشورگشایی یا تصاحب قدرت صورت می‌گیرند؛ مانند قیام والی سیام. ۲. شورش‌ها و انقلابات مردمی که در بستر جامعه شکل گرفته و منجر به بیان اعتراضات و گاه سرنگونی حکومت می‌شود؛ مانند انقلاب فرانسه. در این میان نتایجی که برای این انقلابات رخ می‌دهد نیز به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. سرنگونی حکومت و یا رسیدن انقلابیون به اهداف اصلی خود، مانند انقلاب فرانسه، جنبش توتون و تنباکو. ۲. سرکوبی اعتراضگران و سرکوبی انقلاب، مانند قیام شیخ عبدالله در ایران. ۳. پیروزی انقلابات و سپس شکست خوردن آن، مانند نهضت مشروطه. در مورد قراردادهای سیاسی میان دو کشور، در سه سفرنامه، به قراردادهایی جهت خرید تجهیزات نظامی، صنعتی و اقلام ضروری مردم و همچنین تفاهم‌نامه‌های سیاسی در جهت مستحکم‌تر شدن روابط دو کشور و قراردادهایی که امتیازات مختلف را به کشورهای استعمارگر جهت بهره‌کشی از کشور را می‌دهند، اشاره شده است. در زمینه گرفتن مالیات و عوارضی از مردم در سفرنامه‌های منتخب، به دو شیوه اشاره شده است: مالیات‌هایی که از طرف دولت صرف عمران و آبادی بیشتر کشور می‌شود که در کشورهای پیشرفته رایج بوده و مالیات‌هایی که از مردم گرفته می‌شود اما تنها هزینه‌های حکومتی و دربار را تأمین می‌کند و به نوعی بهره‌کشی از مردم است.

### منابع

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۹۲). تاریخ ایران پس از اسلام، تهران: زرین.
- بحرالعلوم، محمدحسین (۱۳۸۷). سفر و آموزش سفرنامه نویسی، تهران: مدرسه.
- حکیمی، محمود (۱۳۸۳). همراه با سیاحان و جهانگردان و مسافران تاریخ، جلد ۱، تهران: آرون.
- فتاح خان گرمودی (۱۳۴۷). سفرنامه میرزا فتاح خان گرمودی به اروپا در زمان محمدشاه قاجار، شامل سه رساله چهار فصل، شب نامه و سفرنامه ممسنی، به کوشش فتح‌الدین فتاحی، تهران: چاپخانه بانک بازرگانی.
- کربلایی، شیخ حسن (۱۳۷۳). تاریخ دخانیه، به کوشش موسی نجفی و رسول جعفریان، تهران: امیرکبیر.
- محلانی، میرزا محمد علی (۲۵۲۶ ش). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- محمد ربیع، محمد ابراهیم (۲۵۳۶ ش). سفینه سلیمانی (سفرنامه سفیر ایران به سیام)، تصحیح و تعلیقات عباس فاروقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خلیلی، محسن؛ مظفری، مریم؛ موسوی‌زاده، سیدمحسن (۱۳۹۰). «مقایسه مفهوم صدور انقلاب در انقلابهای فرانسه و روسیه»، مجله جستارهای سیاسی معاصر، بهار و تابستان، دوره ۲، شماره ۱، ۷۱-۴۷.
- رحیمی‌مهر، زهره؛ دری، زهرا (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی دو سفرنامه حج»، مجله دهخدا، دوره ۷، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۹۴، ۸۵-۹۸.
- سرای، حسین؛ هاشم زهی، نوروز (۱۳۸۱). «شرایط اجتماعی و گفتمان‌های روشنفکری در آستانه انقلاب مشروطه»، مجله جامعه‌شناسی ایران، پاییز، دوره ۴، شماره ۳، ۱۱۴-۸۱.
- مرشدی زاد، علی؛ کشاورزشکری، عباس؛ احمدپور ترکمانی، بابک (۱۳۸۹). «بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو (۱۲۶۹-۱۲۷۰)»، مجله دانش سیاسی، پاییز و زمستان، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، ۲۰۶-۱۷۷.
- همایون، محمدهادی (۱۳۸۷). «سیمای جهانگردی در فرهنگ اسلامی»، مجله نامه پژوهش فرهنگی، زمستان، شماره ۱۴، ۱۷۹-۲۰۸.

## Reflection of political issues in Iranian travelogues in the Safavid and Qajar periods

### Abstract

Travel writing in the field of Persian literature has an ancient history that is both poetic and prose. In the travelogue, the author describes what he saw, heard and happened on the trip. In this study, three travelogues "Safina Solomon, Mirza Fattah Khan and Haj Sayyah's travelogue" have been selected as three Iranian political-tourism travelogues. Therefore, this research seeks to find out what political issues are reflected in the travelogues of two different historical periods. This article is done in a descriptive-analytical way and the results show that the two travelogues of Safina Soleimani and Mirza Fattah Khan are custom-political travelogues that showed the government of the time at the height of its authority and glory, while the travelogue of Haj Sayyah is a travelogue. It is tourist-political, depicting the Qajar kings as incompetent, incompetent, oppressive and luxurious. During the two trips of Mohammad Rabi and Fattah Khan, Iran's political relations with other countries were in the shadow of friendly relations, which were not colonial in any way, but Haj Sayyah considered all Iranian political interactions with powerful countries as a way to colonize the Iranian people. In the meantime, issues such as political agreements, assassinations, political asylum, government administration practices, etc. have been mentioned as part of the political issues in the travelogues.

**Keywords:** Travelogue, Politics, Soleimani Ship, Mirza Fattah Khan's travelogue, Haj Sayyah's travelogue.